

همسر آزاده‌ی سرافراز، شجاع آهنگری:

از اسارت که آزاد شد؛ ۴۰ کیلو هم وزن نداشت!

*سمیه کریمی

بعد از ازدواج من حدود ۱۵ سال بود که بچه‌دار نمی‌شدیم در این مدت هر دکتر که فکر کنید ما رفته بودیم، از طرفی به خاطر آشنایی همسرم با حاج آقای ابوترابی در دوران اسارت، ایشان اول هر ماه برای شرکت در روضه ماهانه ما به منزل ما می‌آمدند و از وضع زندگی ما باخبر بودند.

یک روز ایشان به ما گفتند که من

که بر گردنم احساس می‌کردم، ***چگونه با ایشان آشنا شدید؟**

***از زمان اسارت ایشان چیزی به خاطر دارید؟**

سال ۵۹ که ایشان اسیر شد من دختر بچه ۸ ساله بودم و چیز زیادی در یاد ندارم ولی هر وقت ایشان از عراق

اشاره:

همه او را به خاطر صبر زیادش دوست دارند، همسرش، اطرافیانش و مادر همسرش که می‌گوید: نمی‌دانم خدا چه صبری به او داده؟ هر گاه همسرش در اثر کاهش توان جسمی و روحی ناراحت و عصبی می‌شود با آرام کردن او عشق زمینی‌اش را به عشق آسمانی تبدیل می‌کند و ازدواج با او را



نامه می‌فرستادند من آنرا برای همه می‌خواندم.

***از مراسم خواستگاری تان بر ایمان بگوئید؟**

ایشان آبان ماه سال ۶۹ به خواستگاری من آمدند و با توجه به اینکه چند ماه بیشتر از اسارتش نگذشته بود خیلی لاغر بود، فکر میکنم ۴۰ کیلو بیشتر وزن نداشتند. آن روز سرشان را پایین انداخته بودند و آرام می‌گفتند، من تصمیم گرفتم با شما ازدواج کنم.

***زندگی مشترکتان را چگونه آغاز کردید؟**

بعد از برگزاری یک مراسم ساده، همسرم تازه در کارخانه شیشه شروع به کار کرده بود و من هم ۱۸ سالم بود و تازه دیپلم گرفته بودم.

***کی صاحب فرزند شدید؟**

همسر را ناامید می‌کردید، آنکه بالای سر ماست ما را ناامید نکرده، شما فقط وسیله اید.

سپس پیش همسر برگشتم درحالی که او همچنان گریه می‌کرد و حتی نمی‌توانست رانندگی کند. به هر حال ما برگشتیم و تا چند وقت دیگر که روضه داشتیم و حاج آقا به منزل ما آمدند، من ماجرا را برای ایشان تعریف کرده و گفتم: دوست شما ما را ناامید کرد، حاج آقا فرمودند: توکلان به خدا باشد، و بعد به من فرمودند: برو قرآن بیاور. وقتی قرآن را باز کردند و آیه پیش رویشان را خواندند، اشک از چشمانش جاری شد و فرمودند: دیگر لازم نیست به دکتر بروید، خدا تا ماه دیگر به شما بچه خواهد داد. اتفاقاً همینطور هم شد و ما تا ماه بعد بچه‌دار شدیم، ولی متأسفانه حاج آقا چند روز پس از آن فوت کردند و دیگر به منزل ما نیامدند.

***بهترین لحظه زندگی شما چه زمانی بود؟**

وقتی که خواندن اولین فرزندانم، علی اصغر را به ما داد.

***تلخ ترین لحظه زندگی تان را هم بگویید؟**

زمانی بود که علی اصغر ۵ روز پس از تولدش، بر اثر نارسایی فوت کرد. خیلی لحظه سختی بود. با این تفاوت که دیگر حاج آقای ابوترابی نبودند که

به ما دلداری بدهند. البته پس از آن خوانده سه فرزند پسر به ما ازرانی داشته است.

***زندگی با یک آزاده سخت است؟**

اوایل واقعاً سخت بود، عادی شدن زندگی برای همسر، آن هم پس از ده سال اسارت و بازگشت به شرایط زندگی عادی، زندگی را برایمان سخت سخت کرده بود. اما خوشبختانه پس از گذشت آن ایام الآن زندگی آرام و خوبی داریم. قزوین است، به آنجا بروید و کودکی را به فرزندگی قبول کنید، همسرم با شنیدن این حرف بغض کرده و شروع به گریه کرد، به طوری که حتی توان راه رفتن نداشت. پس از آنکه از مطب دکتر بیرون آمدیم، من به بهانه‌ای پیش دکتر برگشتم و گفتم شما نباید

پس از آزاده‌ی سرافراز، شجاع آهنگری:

همسر را ناامید می‌کردید، آنکه بالای سر ماست ما را ناامید نکرده، شما فقط وسیله اید.

سپس پیش همسر برگشتم درحالی که او همچنان گریه می‌کرد و حتی نمی‌توانست رانندگی کند. به هر حال ما برگشتیم و تا چند وقت دیگر که روضه داشتیم و حاج آقا به منزل ما آمدند، من ماجرا را برای ایشان تعریف کرده و گفتم: دوست شما ما را ناامید کرد، حاج آقا فرمودند: توکلان به خدا باشد، و بعد به من فرمودند: برو قرآن بیاور. وقتی قرآن را باز کردند و آیه پیش رویشان را خواندند، اشک از چشمانش جاری شد و فرمودند: دیگر لازم نیست به دکتر بروید، خدا تا ماه دیگر به شما بچه خواهد داد. اتفاقاً همینطور هم شد و ما تا ماه بعد بچه‌دار شدیم، ولی متأسفانه حاج آقا چند روز پس از آن فوت کردند و دیگر به منزل ما نیامدند.

***بهترین لحظه زندگی شما چه زمانی بود؟**

وقتی که خواندن اولین فرزندانم، علی اصغر را به ما داد.

***تلخ ترین لحظه زندگی تان را هم بگویید؟**

زمانی بود که علی اصغر ۵ روز پس از تولدش، بر اثر نارسایی فوت کرد. خیلی لحظه سختی بود. با این تفاوت که دیگر حاج آقای ابوترابی نبودند که

به ما دلداری بدهند. البته پس از آن خوانده سه فرزند پسر به ما ازرانی داشته است.

***زندگی با یک آزاده سخت است؟**

اوایل واقعاً سخت بود، عادی شدن زندگی برای همسر، آن هم پس از ده سال اسارت و بازگشت به شرایط زندگی عادی، زندگی را برایمان سخت سخت کرده بود. اما خوشبختانه پس از گذشت آن ایام الآن زندگی آرام و خوبی داریم. قزوین است، به آنجا بروید و کودکی را به فرزندگی قبول کنید، همسرم با شنیدن این حرف بغض کرده و شروع به گریه کرد، به طوری که حتی توان راه رفتن نداشت. پس از آنکه از مطب دکتر بیرون آمدیم، من به بهانه‌ای پیش دکتر برگشتم و گفتم شما نباید

پس از آزاده‌ی سرافراز، شجاع آهنگری:

همسر را ناامید می‌کردید، آنکه بالای سر ماست ما را ناامید نکرده، شما فقط وسیله اید.

سپس پیش همسر برگشتم درحالی که او همچنان گریه می‌کرد و حتی نمی‌توانست رانندگی کند. به هر حال ما برگشتیم و تا چند وقت دیگر که روضه داشتیم و حاج آقا به منزل ما آمدند، من ماجرا را برای ایشان تعریف کرده و گفتم: دوست شما ما را ناامید کرد، حاج آقا فرمودند: توکلان به خدا باشد، و بعد به من فرمودند: برو قرآن بیاور. وقتی قرآن را باز کردند و آیه پیش رویشان را خواندند، اشک از چشمانش جاری شد و فرمودند: دیگر لازم نیست به دکتر بروید، خدا تا ماه دیگر به شما بچه خواهد داد. اتفاقاً همینطور هم شد و ما تا ماه بعد بچه‌دار شدیم، ولی متأسفانه حاج آقا چند روز پس از آن فوت کردند و دیگر به منزل ما نیامدند.

***بهترین لحظه زندگی شما چه زمانی بود؟**

وقتی که خواندن اولین فرزندانم، علی اصغر را به ما داد.

***تلخ ترین لحظه زندگی تان را هم بگویید؟**

زمانی بود که علی اصغر ۵ روز پس از تولدش، بر اثر نارسایی فوت کرد. خیلی لحظه سختی بود. با این تفاوت که دیگر حاج آقای ابوترابی نبودند که

پسرم رفته بود تهران، پیش برادرم، ۱۲ فروردین بود که زنگ زد و گفت می‌خواهد به جبهه اعزام شود. نگران شدم؛ موضوع را از برادرم جویا شدم، گفت: برای آموزش به پادگان امام حسن(ع) رفته است. بلافاصله خودم را به تهران رساندم. جلوی در پادگان امام حسن، خیلی منتظر ماندم، اما بالاخره آمد.

از دور که او را دیدم اول فکر نمی‌کردم پسر من است؛ آنقدر نورانی و خوش سیما شده بود که وقتی در آغوشش کشیدم، انگار گلوله‌ای از نور در آغوش دارم. همدیگر را بوسیدیم. مرا بلند کرد و در حیات پادگان چرخاند و گفت: مادر چرا توی این هوای سرد آمدی اینجا؟ زندگی برای همسر، آن هم پس از ده سال اسارت و بازگشت به شرایط زندگی عادی، زندگی را برایمان سخت سخت کرده بود. اما خوشبختانه پس از گذشت آن ایام الآن زندگی آرام و خوبی داریم. قزوین است، به آنجا بروید و کودکی را به فرزندگی قبول کنید، همسرم با شنیدن این حرف بغض کرده و شروع به گریه کرد، به طوری که حتی توان راه رفتن نداشت. پس از آنکه از مطب دکتر بیرون آمدیم، من به بهانه‌ای پیش دکتر برگشتم و گفتم شما نباید

پس از آزاده‌ی سرافراز، شجاع آهنگری:

همسر را ناامید می‌کردید، آنکه بالای سر ماست ما را ناامید نکرده، شما فقط وسیله اید.

سپس پیش همسر برگشتم درحالی که او همچنان گریه می‌کرد و حتی نمی‌توانست رانندگی کند. به هر حال ما برگشتیم و تا چند وقت دیگر که روضه داشتیم و حاج آقا به منزل ما آمدند، من ماجرا را برای ایشان تعریف کرده و گفتم: دوست شما ما را ناامید کرد، حاج آقا فرمودند: توکلان به خدا باشد، و بعد به من فرمودند: برو قرآن بیاور. وقتی قرآن را باز کردند و آیه پیش رویشان را خواندند، اشک از چشمانش جاری شد و فرمودند: دیگر لازم نیست به دکتر بروید، خدا تا ماه دیگر به شما بچه خواهد داد. اتفاقاً همینطور هم شد و ما تا ماه بعد بچه‌دار شدیم، ولی متأسفانه حاج آقا چند روز پس از آن فوت کردند و دیگر به منزل ما نیامدند.

***بهترین لحظه زندگی شما چه زمانی بود؟**

وقتی که خواندن اولین فرزندانم، علی اصغر را به ما داد.

***تلخ ترین لحظه زندگی تان را هم بگویید؟**

زمانی بود که علی اصغر ۵ روز پس از تولدش، بر اثر نارسایی فوت کرد. خیلی لحظه سختی بود. با این تفاوت که دیگر حاج آقای ابوترابی نبودند که

به ما دلداری بدهند. البته پس از آن خوانده سه فرزند پسر به ما ازرانی داشته است.

***زندگی با یک آزاده سخت است؟**

اوایل واقعاً سخت بود، عادی شدن زندگی برای همسر، آن هم پس از ده سال اسارت و بازگشت به شرایط زندگی عادی، زندگی را برایمان سخت سخت کرده بود. اما خوشبختانه پس از گذشت آن ایام الآن زندگی آرام و خوبی داریم. قزوین است، به آنجا بروید و کودکی را به فرزندگی قبول کنید، همسرم با شنیدن این حرف بغض کرده و شروع به گریه کرد، به طوری که حتی توان راه رفتن نداشت. پس از آنکه از مطب دکتر بیرون آمدیم، من به بهانه‌ای پیش دکتر برگشتم و گفتم شما نباید

پس از آزاده‌ی سرافراز، شجاع آهنگری:

همسر را ناامید می‌کردید، آنکه بالای سر ماست ما را ناامید نکرده، شما فقط وسیله اید.

سپس پیش همسر برگشتم درحالی که او همچنان گریه می‌کرد و حتی نمی‌توانست رانندگی کند. به هر حال ما برگشتیم و تا چند وقت دیگر که روضه داشتیم و حاج آقا به منزل ما آمدند، من ماجرا را برای ایشان تعریف کرده و گفتم: دوست شما ما را ناامید کرد، حاج آقا فرمودند: توکلان به خدا باشد، و بعد به من فرمودند: برو قرآن بیاور. وقتی قرآن را باز کردند و آیه پیش رویشان را خواندند، اشک از چشمانش جاری شد و فرمودند: دیگر لازم نیست به دکتر بروید، خدا تا ماه دیگر به شما بچه خواهد داد. اتفاقاً همینطور هم شد و ما تا ماه بعد بچه‌دار شدیم، ولی متأسفانه حاج آقا چند روز پس از آن فوت کردند و دیگر به منزل ما نیامدند.

***بهترین لحظه زندگی شما چه زمانی بود؟**

وقتی که خواندن اولین فرزندانم، علی اصغر را به ما داد.

***تلخ ترین لحظه زندگی تان را هم بگویید؟**

زمانی بود که علی اصغر ۵ روز پس از تولدش، بر اثر نارسایی فوت کرد. خیلی لحظه سختی بود. با این تفاوت که دیگر حاج آقای ابوترابی نبودند که

زین تاج غیاثوند، مادر شهید گنجعلی غیاثوند:

دل‌م طاق‌ت نیاورد که نینمت

*حسن شکیب‌زاده



برای رفتن به مناطق جنگی و دیدن پسرم بگیرم؛ اما اجازه ندادند و گفتند: شما آموزش ندیده‌اید و نمی‌توانید به منطقه جنگی بروید. من هم در آبادان نامه‌ای برای پسرم نوشتم و به یکی از دوستانش دادم تا به گنجعلی بدهند و خودم با ناامیدی کامل به قزوین برگشتم.

دو روز از برگشتنم نگذشته بود که جنازه پسرم را به قزوین آوردند و دُرست دو روز بعد هم نامه پسرم رسید، که نوشته بود: "پدر جان! من راضی به زحمت شما نبودم که به آبادان برای دیدن من بیایید. من نامه شما را خواندم و می‌دانم که این آخرین دیدار من با خانواده‌ام می‌باشد. بعد از رفتن شما، من نمی‌توانم زحمتی را که برای من کشیده‌ای جبران کنم. امیدوارم در آن دنیا جبران کنم!"

گنج‌علی غیاثوند محمدخانی دوم مهر ماه سال ۱۳۴۳ در شهر تهران به دنیا آمد. پدرش کارگری می‌کرد و خودش دانش‌آموز سال دوم متوسطه بود که ازسوی بسپج در جبهه حضور یافت و سرانجام نیز هشتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱، در دارخوین بر اثر اصابت ترکش به سر، به شهادت رسید.

خیلی ناراحت بود، حتی به مدت دو هفته مریض شد و ما او را پیش هر دکتری که می‌دیدیم، می‌گفتند: "هیچ ناراحتی ندارد." ظاهراً مریضی‌اش فقط مشکل روحی بود و اینکه دوست داشت هر چه زودتر به مناطق جنگی برود. من وقتی دیدم علی خیلی حالش نامساعد است، رفتم پیش فرمانده‌اش و رضایت‌نامه‌اش را امضا کردم، تا برود. علی هم وقتی شنید که من رضایت داده‌ام تا به جبهه برود، بیماری‌اش را به کلی از یاد بُرد و بالاخره هم موفق شد به جبهه اعزام شود.

او مرتب برای ما نامه می‌نوشت و می‌خواست که با خانواده‌های شهدا هم‌دردی کنیم و آن‌ها را تنها نگذاریم. یک روز، به اتاق علی رفتم. قرآنش را برداشتم و شروع به ورق زدن کردم که چشمم به وصیت‌نامه‌اش افتاد. وصیت‌نامه‌اش را که خواندم، آرام و قرام را از دست دادم. بلافاصله شال و کلاه کردم و راهی جبهه شدم تا ببینمش.

هر کجا که می‌رفتم، می‌گفتند: "همین دو ساعت پیش اینجا بود و رفت." من برای دیدن او از اندیشمک به سوسنگرد و از آن جا به کرخه، اهواز و آبادان رفتم. صبح بود، که به فرمانداری آبادان رفتم تا نامه‌ای

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت رنگ اصیل ماهوت کاشان (سهامی خاص)

از کلیه صاحبان سهام شرکت رنگ اصیل ماهوت کاشان سهمی خاص ثبت شده به شماره ۲۷۴۶ و به شناسه ملی ۱۴۰۱۱۱/۰۶۰۳۳۷۶۳۶ دعوت می شود که در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۶ روز پنجشنبه ساعت ۱۰ صبح در کاشان -آران و بیدگل -شهرک صنعتی سلیمان صبایح بلوار شماره ۳ پلاک ۵۲۵ تشکیل می شود حضور بهم رسانید.

دستور جلسه :

- ۱- تصویب ترازنامه وبیلان عملکردسال مالی ۱۴۰۰
- ۲- انتخاب بازرسان شرکت

هیئت مدیره

شرکت رنگ اصیل ماهوت کاشان

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت پویا خدمات اراک (سهامی خاص)

به شماره ثبت ۴۶۸۹ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۰۸۱۵۱۸ بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت می رساند جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده راس ساعت ۱۲ روز یکشنبه ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ در محل شرکت به آدرس اراک، جاده کمربندی شمالی، مجتمع برق منطقه ای باختر، شرکت پویا خدمات اراک برگزار می گردد. از کلیه سهامداران محترم تقاضا می گردد با معرفی نامه کتبی در جلسه شرکت فرمایند.

دستور جلسه:

- ۱- اتخاذ تصمیم نسبت به سرمایه گذاری.
- ۲- سایر مواردی که تصمیم گیری راجع به آن در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده می‌باشد.

هیات مدیره شرکت پویا خدمات اراک (سهامی خاص)

آگهی تحدید حدود عمومی املاک واقع در شهرستان ديلم بخش ۷ بوشهر

آگهی تحدید حدود عمومی املاک واقع در ديلم بخش هفت بوشهر پيرو آگهی نوبتی سه ماهه دوم سال ۱۴۰۱ و مطابق با ماده ۱۴ قانون ثبت (ماده ۶۶ نامۀ قانون املاک) فهرست املاک تحدید حدود بشرح ذیل آگهی می شود.
۷۱/۵- آقایان قدرت اله، مهدی، جمشید شهرت هر سه شاه صادقی هر کدام یک دانگ مشاع و خانم ها مهین، ناهید شهرت هر دو شاه صادقی هر کدام نیم دانگ مشاع و خانم فرخنده شاه صادقی دودانگ مشاع از ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۷۷/۹۰ متر مربع واقع در شهر ديلم شریعتی شمالی کوچک شهید روغنی.
تاریخ شروع عملیات تحدیدی: روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۱۱
تحدید حدود املاک فوق الذکر از ساعت ۸ صبح شروع و بعمل خواهد آمد. لذا از صاحبان املاک و مجاورین آنها دعوت می شود در روز و ساعت تعیین شده در محل حاضر باشند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک حاضر نباشند، املاک آنها مطابق با ماده ۱۵ قانون ثبت با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید حدود خواهد شد و واخواهی نسبت به حدود و حقوق ارفاقی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود به مدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد. ضمناً معترض مکلف است طبق تبصره ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضین ثبتی مصوب ۷۳/۲/۲۵ ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست خود را به مرجع قضایی محل وقوع ملک تقدیم نماید و الا حق و اساقط خواهد شد. ضمناً چنانچه روز تحدید حدود با تطبیل رسمی مواجه گردید روز تحدید حدود یک روز بعد از تعطیلی خواهد بود. شناسه: ۱۴۳۲۹۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰
اله مراد رزمجو - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ديلم

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله ای

دانشگاه ملایر در نظر دارد با رعایت قانون برگزاری مناقصات، انجام عملیات موضوع ذیل را از طریق ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله ای با استفاده از بخشنامه سرجمع به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید:
(الف) موضوع پروژه: تکمیل خوابگاه متاهلین دانشگاه ملایر به شماره ۱۵۰۰۰۰۵۰۰۰۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ سامانه ستاد
(ب) مبلغ برآورد اولیه پروژه: ۲۹،۵۲۶،۷۶۳،۸۷۶ ریال (سی و نه میلیارد و پانصد و بیست و شش میلیون و هفتصد و شصت و سه هزار و هشتصد و هفتاد و شش ریال)
(ج) مدت انجام کار: ۶ ماه
(د) محل انجام کار: کیلومتر ۴ جاده ملایر-اراک، دانشگاه ملایر
(ه) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱/۹۷۶/۳۳۹/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و نهصد و هفتاد و شش میلیون و سیصد و سی و نه هزار ریال). بصورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا اعتبار حداقل سه ماهه از تاریخ تحویل پیشنهاد و یا قابلیت تمدید برای ۳ ماه دیگر و یا واریز وجه نقد به شماره شبّا متمرکز سپرده ۱۹۰۷۳۳۸۹۱۹-۰۰۱۰۰۷۳۳۸۹۱۹-۵۷۰۱۰۰۰۴۰۰۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ IR نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام دانشگاه ملایر قابل پذیرش خواهد بود.

(و) محل فروش و تحویل اسناد: هر سه پاکت الف، ب و ج باید بصورت الکترونیکی در سایت ستاد ایران بارگذاری شوند و فقط اصل پاکت الف در پاکت مجزا و مهر و موم شده که مشخصات مناقصه بر روی آن نوشته شده است در مهلت مقرر به نشانی کارفرما ارسال و در دبیرخانه ثبت گردد.
(ز) تاریخ فروش اسناد مناقصه: مطابق زمان اعلام شده در سامانه ستاد ایران
(ح) زمان تحویل اسناد مناقصه: مطابق زمان اعلام شده در سامانه ستاد ایران
(ت) اعتبارات مالی پروژه از محل اعتبارات عمرانی بصورت نقد خواهد بود.
(ی) شرایط پیمانکار: ۱- داشتن حداقل رتبه ۵ اینجه و ۵ تاسیسات از سازمان برنامه و بودجه کشور و دارا بودن ظرفیت آزاد کار و گواهینامه صلاحیت ایمنی از اداره کار و رفاه اجتماعی
(ک) حداقل اعتبار لازم برای بازگشایی پاکت قیمت ۶۵ امتیاز کیفی مطابق اسناد اعلامی می باشد.
(ل) نشانی کارفرما: ملایر، کیلومتر ۴ جاده ملایر-اراک، دانشگاه ملایر تلفن: ۰۸۱-۳۲۴۵۶۵۱۸
(م) سایر اطلاعات و جزئیات مربوط، در اسناد ارزیابی و مناقصه مندرج است. تاریخ بازگشایی پاکت مناقصه: ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۵
***** هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد. *****

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده (نوبت دوم) شرکت تعاونی مسکن کارکنان آحاد و پشتیبانی ناجا شماره ثبت ۲۷۵۰۰۸

بدینوسیله از کلیه اعضاءمحترم شرکت تعاونی دعوت میشود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم که راس ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۰۶ در محل حسینیه امام علی (ع) معاونت آحاد و پشتیبانی فراجا به آدرس: تهران -کیلومتر ۱۸ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۳ (ملک) - پادگان میش یک - معاونت آحاد و پشتیبانی فراجا تشکیل میگردد. لذا از کلیه اعضاء دعوت میشود راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانید و یا وکیل (نماینده) خود را کتبا معرفی نمایید. ضمناً به اطلاع می رساند که بموجب ماده ۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی، تعداد آراء و کالتی هر عضو حداکثر ۳ رای خواهد بود و اعضای متقاضی اعطای نمایندگی می بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۴ در محل دفتر تعاونی مسکن حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت توسط یک نفر از اعضاء هیئت مدیره و یک نفر از بازرسان برکه ورود به مجمع در دریافت دارند.
دستور جلسه:
۱ - تطبیق اساسنامه با قانون و اصلاحات بعدی آن
۲ - طرح و تصویب نام تعاونی (ماده ۱ اساسنامه)
۳ - اصلاح بند (ب) ماده ۱۲ اساسنامه

هیئت مدیره تعاونی مسکن کارکنان آحاد و پشتیبانی ناجا

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت پویا خدمات اراک (سهامی خاص)

به شماره ثبت ۴۶۸۹ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۰۸۱۵۱۸ بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت می رساند جلسه مجمع عمومی فوق العاده راس ساعت ۱۰ روز یکشنبه ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ در محل شرکت به آدرس اراک، جاده کمربندی شمالی، مجتمع برق منطقه ای باختر، شرکت پویا خدمات اراک برگزار می گردد. از کلیه سهامداران محترم تقاضا می گردد با معرفی نامه کتبی در جلسه شرکت فرمایند.
دستور جلسه:
۱- افزایش سرمایه.
۲- تغییر در اساسنامه.
۳- سایر مواردی که تصمیم گیری راجع به آن در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده میباشد.
هیات مدیره شرکت پویا خدمات اراک (سهامی خاص)

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد سلطانی به عنوان وکیل خانم ها فاطمه مشهور به زاله فروزان و مریم کسری برابر وکالت نامه شماره ۲۸۵۲۵ مورخ ۱۳۶۹/۰۱/۱۴ دفتر ۱۰۵۷ تهران ضمن تسلیم دوبرگ استنشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که دو جلد سند مالکیت هر کدام ۳ دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان به مساحت ۹۸،۶۹ متر مربع قطعه مفروزی به شماره ۲۵۶۸۵ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج به شماره چاپی ۰۶۹۷۰ و ۰۶۹۶۹۰ سری د ۹۱ بنام خانمها فاطمه مشهور به زاله فروزان و مریم کسری صادر که بعلت سهولت انگاری مفقود گردیده و وکیل ایشان تقاضای صدور سند مالکیت المثنی مقدار ششصدانگ پلاک مرقوم (جلد بالسنویه هر کدام سه دانگ مشاع از ششدانگ) را نموده است . لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد . توضیح اینکه: ششصدانگ پلاک موصوف برابر سند رهنی شماره ۱۵۳۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۸ شهر کرج استان البرز در رهن بانک مسکن شعبه شهرشهر کرج قرار دارد. م.الف.۵۰۶
حسین رضا نوری شاد - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۳ کرج

آگهی تجدید فراخوان عمومی واگذاری میزان ۵۶۴۸،۲۵ متر مربع زمین با کاربری تفریحی، توریستی (هتل) واقع در شهرستان خرم آباد

اداره کل راه و شهرسازی استان لرستان در نظر دارد میزان ۵۶۴۸،۲۵ متر مربع زمین از اراضی این اداره کل واقع در شهر خرم آباد به آدرس:بلوار زیبا کنار- خیابان کوثر- جنب استخر امام علی(ع) را از طریق فراخوان عمومی و بصورت اجاره به شرط تملیک واگذار نماید.

دارندگان موافقت نامه اصولی مرتبط با طرح مذکور یا متقاضیانی که ظرف مدت ۳۰ روز قادر به اخذ مجوز از وزارت یا اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می باشند، جهت دریافت اطلاعات قطعه زمین مذکور و فرم شرایط شرکت در فراخوان عمومی و برگه پیشنهاد قیمت به پایگاه اینترنتی سامانه تدارکات الکترونیک دولت به نشانی www.setadiran.ir مراجعه نمایند. کلیه متقاضیانی که قصد شرکت در فراخوان را دارند لازم است نسبت به تهیه توکن از طریق مقتضی اقدام و سپس اسناد فراخوان را از طریق سامانه مذکور دریافت نمایند. بدیهی است ارسال هرگونه درخواست یا پیشنهادی خارج از سامانه مذکور پذیرفته نخواهد بود.

*** تاریخ انتشار آگهی در سامانه ۱۴۰۱/۱۰/۱۷ - مهلت بازدید ۱۴۰۱/۱۰/۱۷ لغایت ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ (از ساعت ۸ الی ۲۳) - مهلت ارسال پیشنهاد ۱۴۰۱/۱۰/۱۷ لغایت ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ تا ساعت ۱۱ - روز بازگشایی ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ - زمان اعلام برنده ۱۴۰۱/۱۱/۰۹**

روابط عمومی اداره کل راه و شهر سازی استان لرستان